

زیوشکران معاصر

نشریه

www.kezab.ir



فرهنگ معاصر

تهران ۱۳۸۷

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

اتحاد، هوشنگ - ۱۳۱۷

پژوهشگران معاصر ایران / هوشنگ اتحاد - تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸
ج: مصور، عکس.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Contemporary scholars of Iran.

پشت جلد به انگلیسی:

Houshang Ettehad.

کتابنامه.

ISBN 978-964-5545-81-7

ج. ۶ (چاپ دوم: ۱۳۸۷)

۱. محققان - ایران - سرگذشت‌نامه الف. عنوان.

۹۲۰/۰۵۵

CT ۱۸۸۳ / الف ۲ پ ۴

*۷۸-۵۰۵۰

کتابخانه ملی ایران

ISBN 978-964-5545-81-7

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۴۵-۸۱-۷



فرهنگ معاصر

شماره ۴۵، خیابان دانشگاه، تهران ۱۳۱۴۷

تلفن: ۶۶۴۶۵۵۳۰ - ۶۶۴۶۵۵۲۰ - ۶۶۹۵۲۶۳۲

فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸

E-mail: info@farhangmoaser.com

website: www.farhangmoaser.com

پژوهشگران معاصر ایران

هوشنگ اتحاد

ویراستار: فرزانه وزوایی

خط: یدالله کابلی خوانساری

حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ دوم: ۱۳۸۷ / قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده
بازرگانی از این اثر اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و یا تکثیر به
هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً، ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

فهرست

یادداشت مؤلف	نه
سپاسگزاری	دوازده

بخش اول

خلق و خوی	۱۳
-----------------	----

بخش دوم

نویسندگی	۵۱
۱. تأثیرپذیری هدایت	۷۲
۲. تأثیر هدایت بر دیگران	۹۴
۳. داستان کوتاه، رمان	۱۱۳
۴. بوف کور	۱۴۲
۵. تحلیل بوف کور، زنده‌بگور	۱۵۴
۶. سفرنامه و نمایشنامه‌نویسی، نقاشی، موسیقی، شعر	۱۹۰
۷. ترجمه‌های هدایت	۲۰۰
الف) آثار فرنگی	۲۰۰
ب) متون پهلوی	۲۰۲
۸. پژوهش‌های هدایت دربارهٔ فرهنگ مردم (فولکلور)	۲۰۹
۹. آثار هدایت در زمینهٔ نقد و بررسی	۲۳۳

بخش سوم

زندگی‌نامه	۲۷۳
۱. دوران کودکی و نوجوانی	۲۷۵
۲. سفر به بلژیک، فرانسه و بازگشت	۲۸۴
۳. تشکیل گروه ربه، سفر هند	۳۰۹

۴. تهران، قبل از آخرین سفر او به پاریس، پاریس آخر ۳۳۸

۵. خودکشی در پاریس ۳۵۷

نمونه‌هایی از نثر صادق هدایت ۳۳۸

بوف کور ۳۳۸

سگ ولگرد ۳۴۰

قضیه خواب راحت ۳۴۷

لاله ۳۵۱

قضیه ساق پا ۳۵۷

فولکلور یا فرهنگ توده (نمونه‌ها و دستور جمع‌آوری و تدوین آن) ۳۶۱

پیام کافکا ۳۶۷

اصفهان نصف جهان ۳۷۱

فهرست آثار صادق هدایت ۴۷۸

یادداشت‌ها ۴۸۰

کتابنامه ۱۰۸۱

فهرست اعلام ۱۱۲۵

۱. کسان، جای‌ها ۱۱۲۵

۲. کتاب‌ها، رساله‌ها، مقاله‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، آهنگ‌ها، شعرها ۱۱۴۶

در این کتاب، شرح احوال و آثار این افراد نیز در یادداشت‌ها آمده است؛

دانشمندان، فرهنگیان و شخصیت‌های معاصر ایرانی:

هدایت، حسن شهیدنورایی، مهدی برکشلی، ادوارد ژوزف،
هدایتقلی هدایت (اعضاءالملک)، حسین کوهی کرمانی،
رضاقلی خان هدایت (لله باشی)، عیسی هدایت، صبحی
مهدتی، تقی رفعت، اسماعیل یکانی، علیقلی هدایت
مخبرالدوله، جعفرقلی هدایت نیرالملک، رضاقلی هدایت
نیرالملک، کریم هدایت، جواد آشتیانی، عبدالله انتظام،
غلامحسین مین‌باشیان، آندره سوروگین، تقی ارانی، مظفر
فیروز، حسین خیرخواه، مصطفی رحیمی، عبدالحمین
اورنگ، زین‌العابدین رهنما، امیرعباس هویدا.

محمد پروین گنابادی، بزرگ علوی، سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، حسن قائمیان، علی جواهرکلام، یزدان بخش قهرمان، پرویز محمود، بیژن جلالی، جهانگیر تفضلی، احسان طبری، عبدالحسین نوشین، خسرو هدایت، احمد فردید، محمود تفضلی، حسینقلی مستعان، رحمت مصطفوی، محمد مسعود، جهانگیر جلیلی، تقی مدرسی، بهرام صادقی، صادق چوپک، نصرت رحمانی، حسن هرنمندی، احمد شاملو، جعفر شریعتمداری، پرویز درویش، هوشنگ گلشیری، غلامحسین ساعدی، گریگور یغیکیان، محمود

دانشمندان، بزرگان و شخصیت‌های قرون پیش ایران؛

فخرالدین اسعد گرگانی، جمال‌الدین فنطی، کایس مروزی، ابراهیم موصلی، اسحاق موصلی، عین‌القضاة همدانی

بزرگان و شخصیت‌های سرزمین‌های دیگر:

اوتاس، توفېل گوتېه، ډيډرو، شعيم سوتين، فردريك نيچه،
ريشارډ واگنر، اسكار وايېلډ، آلکاپون، مارکي دو ساد،
ارتور رمبو، چاپکوفسکي، اډوارډ گريگ، فرانتس ژوزف
هايدن، فردريك شوپن، گئورگ مورگنستيرنه، بهرام گور
انکلسازيا، اميل بونيست، پير دو مناش، هرولډ لم، والنتين
آلکسيويچ ژوکوفسکي، ژان باپتست نيگلا، کارل چاپک،
پروسپر مريمه، ارنتست تنډور هوفمان، آندره ژيد، هانري
ماتيس، پابلو پیکاسو، گسټروډ استاين، پل والري، ازرا
پاونډ، ايگور استراوينسکي، يان ريپکا، گوستاو لوبن،
اشتافان تسوايگ، توماس مان، ماکسيم گورکي، ژرژ بيزه،
ژرژ سيمون، آلفرډ ژاري، پير کورني، سيمون ډوبووار،
آلفرډ نوبل، الکساندر بوشکين.

فرانس کافکا، ژان پل سارتر، آنتون چخوف، گی دو
مویسان، ادگر آلن پو، مارسل پروست، پل الوار، ویلیام
جیمسن تاسمن، ویلیام فاکنر، هنری میلر، هائری
دومونترلان، فرانسوا موریاک، ژرژ گوستاو بونگ، بودا،
شیوا، ژرار دو نروال، راینر ماریا ریلکه، آندره برتون،
موریس دو لوپلان، میشل ژواکو، آرتور شوپنهاور، روژه
لسکو، کنت دو گوبینو، پیر لوتي، شارل بودلر، واشینگتن
اروپینگ، روبرت وینه، فردریش مورناو، ویکتور
شوستروم، لويس بونوئل، فریتس لانگ، استلان رای، پاول
وگنر، ارنست شودزاک، ژان کوککو، جیمز جویس، جان
اشتاينېک، هرمان هسه، گوستاو فلوېر، آلبر کامو، سمیوئل
بکت، اوژن یونسکو، فیلیپ سوپو، ورجینیا وولف، ارنست
هینگوی، ونسان وان گوگ، هربرت لاورنس، بوئاندرس

و توضیح درباره:

جیمسن، مارکیم، مجله موسیقی، نخستین بهانیه
(مانیفست) سوررئالیسم، کتاب مونس الاحرار، کتاب
نزّه المجالس، نیت انگاری (نهیلیسم)، مجله وفا

آنارشيسم، اڪسپرميونيسم، امپرميونيسم، انجمن
فيلارمونيك تهران، سوررناليسم، غارهای آجاستا،
فوتوريسم، فولکلور، کالج اصفهان (تاسمن، ويليام

یادداشت مؤلف

یادم می‌آید در تابستان سال ۱۳۳۰، که بیش از سیزده سال نداشتم و تازه سال اول دبیرستان را تمام کرده بودم، در دهل میرزایدالله صادق هدایت را خواندم؛ کلمه محلل را نفهمیدم، اما محتوای داستان مرا با آن سن و سال جذب خود کرد و نام صادق هدایت نخستین بار در ذهنم ثبت شد. سال بعد، در راه دبیرستان در خیابان امیریه، بوف کور را، که نام آشنای نویسنده را بر خود داشت، از مرد دستفروشی به زیر قیمت خریدم و خواندم. قبل از آن، داستان‌های محسن فارسی، داستان‌های تاریخی محمدعلی شیرازی و داستان‌های اجتماعی حسینقلی مستعان را در مجله‌های ترقی، صبا و تهران مصور و همچنین کتاب‌های مطیع‌الدوله حجازی را خوانده بودم که مطالب همگی آنها برای من ملموس بودند، اما با مطالعه بوف کور دگرگون و دچار اغتشاش فکری شدم آنچه مرا در این میان رنج می‌داد این بود که چرا نمی‌توانم آن را تا آنجایی که خوانده‌ام برای دوستانم تعریف کنم. آن را نیمه کاره رها کردم و به حساب این گذاشتم که سوادم قد نداده است! و بعدها که بوف کور را خواندم و خواندم — حتی هنوز هم — وقتی به پایان ماجرا و برداشت تازه‌ای از آن می‌رسم، نگرانم که نکند هدایت در عالم خواب و رؤیا جلوی چشمم ظاهر شود و بالبخند رندانه‌اش بگوید: «زهی تأسف! چقدر در اشتباهی». اظهار نظر درباره کتابی که یکی از مرجع‌های سوررئالیست‌ها است و بنا به گفته‌ای، یکی از دوازده رمان بزرگ جهان در قرن بیستم به شمار آمده است.

ناگفته نماند که هدایت نسبت به نویسندگان دیگر، نظیر آلبر کامو، ارنست همینگوی، سامرست موم، آندره ژید و ماکسیم گورکی، که بر سال‌های نوجوانی و جوانی من فرمانروایی کردند، بیشترین فضا را در ذهنم به عنوان بزرگ‌ترین نویسنده ایرانی به خود اختصاص داد و همیشه گوشه چشمی به او داشته‌ام.

وقتی به کاوش در زندگی و آثار پژوهشگران معاصر ایران پرداختم، در خلال کار دریافتم که هدایت از جمله معدود افرادی است که جامعیت دارد. او نه تنها نویسنده‌ای عالیقدر و صاحب سبک است بلکه خیام‌شناس و بنیان‌گذار خیام‌شناسی در ایران است و هنوز کسی چون او نتوانسته است. آن‌چنان که باید، به ژرفنای اندیشه خیام نزدیک شود و منطقی‌ترین و هوشمندانه‌ترین باور را در شناخت اندیشه‌های خیام ارائه دهد. به‌خصوص آن‌که عبدالحمین زرین‌کوب هم تأکید می‌کند که: «صادق هدایت بینش عمیقی نشان داده است در نقد خیام — ترانه‌های خیام. در این مورد نیز مثل داستان‌نویسی صادق هدایت، یک سرمشق بی‌بدیل است و ملامت‌ناپذیر».

کار دیگر هدایت، پژوهش به صورت علمی درباره فرهنگ عامه (فولکلور) ایران است که از این نظر نیز پیشگام و بنیان‌گذار است و به قول پرویز ناتل خانلری: «برای تعیین ارزش کار هدایت، ما باید عامل زمان را هم در نظر بگیریم و ببینیم که مردی در سال‌هایی به تحقیق درباره فولکلور و به جمع‌آوری آثار عامیانه پرداخته و این کار را موقعی انجام داده است که همه علما و ادبای آن روز به فرهنگ عامیانه به چشم یک چیز بی‌ارزش خالی از هنر نگاه می‌کرده‌اند. آن گاه به نیکی در می‌یابیم که هدایت با چه جرئت و چه وسعت نظری دست به این کار زده است. در آن روزگار هیچ ادیبی در شأن خود نمی‌دانست که به زبان مردم کوچه و بازار بپردازد و مثل‌ها و سرودهای عامیانه را جمع‌آوری کند.»

ناگفته نماند که هنگامی که دهخدا کتاب امثال و حکم را می‌نوشت، هدایت مجموعه‌ای از حدود دو هزار امثال عامیانه را، که در یک دفتر دویست برگه تیه کرده بود، بی‌مضایقه به او تقدیم کرد و بعدها دهخدا، از میان شخصیت‌هایی که در قید حیات بودند، تنها، شرح زندگی او را به دست خود نوشت و در آن برای او سنگ تمام گذاشت و در لغت‌نامه به چاپ رساند.

هدایت به ترجمه نیز دست زد که شامل ترجمه از آثار نویسندگان فرنگی و متون پهلوی است. او آن‌قدر به زبان فرانسه احاطه داشت که توانست دو داستان به زبان فرانسه بنویسد و آثاری از نویسندگان بزرگ جهان را از این زبان به فارسی برگرداند. هدایت نخستین مترجمی بود که در ایران به شناساندن آنتون چخوف پرداخت. ضمناً، علاوه بر داستان، تعدادی از مقاله‌ها و نوشته‌های کوتاه خاورشناسان فرنگ را درباره هنر، فرهنگ و ادبیات ایران به فارسی درآورد.

هدایت به هندوستان سفر کرد و طی نزدیک به دو سال اقامت در آن دیار از بهرام گور انکلساریا پهلوی آموخت و آثاری از متون پهلوی را به فارسی ترجمه کرد. ابراهیم پورداوود از او با عنوان یکی از پهلوی‌دان‌های خوب معاصر یاد کرد و این‌که این رشته را خیلی خوب تحصیل کرده بود. هدایت دو نمایشنامه نوشت و یک نمایشنامه هم به اتفاق مجتبی مینوی تهیه کردند و از سه سفرنامه‌ای که نوشت، تنها یک سفرنامه در دست است که آن را به طرزی خاص و مطبوع ارائه کرده است. از او تعدادی نقاشی و تعداد بسیار معدودی شعر نیز به جا مانده است.

هدایت بنیان‌گذار نقد تحلیلی است و بنا به گفته محمدعلی اسلامی ندوشن: «او در مقاله‌هایش راجع به ویس و رامین و خیام پایه نقد تحلیلی را گذاشت» و با تحلیل و موشکافی نخستین بار کاری را که غربیان انجام داده بودند در زبان فارسی انجام داد و دید پژوهشگرانه را با نگاهی روشنفکرانه درآمیخت و به‌خوبی غث و سمین رباعیات را بازشناخت و جدا ساخت و ما را در برابر هر رباعی به تفکر واداشت. پیام کافکای او نیز نقد تحلیلی هوشمندانه‌ای است که می‌توان از آن به عنوان یکی از نمونه‌های نخستین نقد ادبی مدرن در زبان فارسی به شیوه متعارف غرب یاد کرد. در ایران، درباره هیچ شاعر و نویسنده‌ای به اندازه هدایت بحث و گفتگو نشده است به طوری که محمد گلبن کتاب‌شناسی او را تا سال ۱۳۵۷ در دویست و هجده صفحه تدارک دید و در کتابی با نام کتاب‌شناسی صادق هدایت به چاپ رساند.

یادداشت مؤلف / یازده

با مشخصاتی که از هدایت در دست داریم، واژه پدیده (phenomenon) برازنده او است که این تعبیر مورد تأیید پرویز ناتل خانلری نیز هست. صاحب این قلم بر این باور است که هدایت حیثیت ایران در ادبیات معاصر جهان است، انسانی فاخر با هاله‌ای از ابهام که هرگز مشت خود را باز نکرد.

هوشنگ اتحاد

بهمن ماه ۱۳۸۱

www.ketab.ir

سیاسگزاری

زندگینامه گسترده صادق هدایت — که خود موجب تمایز این جلد در این مجموعه است — ساختاری تازه می‌طلبید که بتواند حق مطلب را درباره آن بزرگ ادا کند. به این منظور زندگینامه او را فصل‌بندی کردم و بر هر یک از آنها عنوانی نهادم. دوست صاحب‌نظم آقای کیخسرو شاپوری یک بار متن را مطالعه و عناوین فصل‌ها را منسجم کردند و، برای ملموس شدن متن، عکس‌های مناسبی برای تعبیه در قسمت‌های مختلف کتاب مشخص نمودند. ناگفته نماند که ایشان از ابتدای شروع چاپ این مجموعه نیز درباره ارجاعات داخل متن پیشنهادهای سازنده‌ای دادند که این امر در تسهیل مطالعه کتاب بسیار مؤثر افتاد. بر خود فرض می‌دانم که از مساعدت‌های بی‌دریغ ایشان صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

مراتب امتنان خود را به حضور آقای جهانگیر هدایت، که منابع لازم را در اختیار مؤلف قرار داده‌اند تقدیم می‌دارم و از زحمات خانم مرگان مؤیدی امین که با علاقه، حوصله و دقت کم‌نظیر، حروف‌نگاری کتاب را انجام داده‌اند تشکر می‌نمایم.

در خاتمه باید اذعان کنم که تهیه بخش گسترده سینمایی که در خور اعتنا باشد، از عهده‌ام خارج بود. پسرم فاران با اشراف به عالم سینما این مهم را پذیرفت، و با وسواسی که داشت، جان مرا به لب رساند و آن را به پایان برد.